

نگاه ۱ → دکتر عبداللّٰهی لہسانی زادہ

فخر انسان‌شناسی ایران

بدون شک پروفیسور سکندر امان‌اللّٰهی از مفاخر علوم اجتماعی و به ویژه انسان‌شناسی در ایران هستند. خدمات علمی ارزنده ایشان به مردم‌شناسی ایران و علی‌الخصوص عشایر ایران بر کسی پوشیده نیست. ایشان در سطح بین‌المللی در دایره ایران‌شناسان معاصر یک منبع معتدّر و صاحب‌نظر هستند و نظرات ایشان صائب است. تحقیقات دست اول ایشان همیشه مورد ارجاع جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و ایران‌شناسان بوده و هست. دانشگاه شیراز و به ویژه بخش جامعه‌شناسی این دانشگاه به وجود ایشان افتخار می‌کند و ایشان دین علمی خود را به این دانشگاه ادا کرد گرچه در چند سال گذشته مورد بی‌مهری برخی از دست‌اندرکاران دانشگاه قرار گرفت. معمولاً بزرگان مورد بغض قرار می‌گیرند و این نیز یکی از آن موارد بود. اما عالمان از کینه‌ها نپراشند و تا آخرین نفس‌ها به کار موجه علمی خود ادامه می‌دهند. ادامه عمر پربرکت علمی آن استاد فرزانه و فرهیخته را آرزو دارم.

*** استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز**

نگاه ۲ → دکتر داریوش بوستانی

نگاه به تاریخ با رویکردی مردم‌شناسانه

استاد سکندر امان‌اللّٰهی بهاروند دانشجویان زیادی تربیت کرد. اینجانب نیز طی سه دوره متوالی تحصیلات دانشگاهی‌ام در دانشگاه شیراز، در محضر ایشان، درس‌های فراوان، هم از دانش و هم از اخلاق فرا گرفتم و این فرصت را یکی از افتخارات و موفقیت‌های خود می‌دانم. در اینجا به لحاظ محدودیت، در دو بخش آنچه را از محضر این دانشمند آموخته‌ام به اختصار بر روی کاغذ می‌آورم؛ نخست ویژگی‌های علمی و سپس اخلاقی.

استاد امان‌اللّٰهی تنها استادی از بخش جامعه‌شناسی بودند که بعد از انقلاب، به رغم مهاجرت همه همکاران‌شان به خارج از کشور، تدریس در ایران را برگزیدند و به رغم داشتن دعوت‌نامه از چندین دانشگاه معتبر جهان، به دلیل عشق فراوانی که به ایران و دانشجویانش داشتند ماندن را به مهاجرت ترجیح دادند. همواره برای سخنرانی از دانشگاه‌های کشورهای مختلف دعوت می‌شدند. از تحولات جدید علمی در حوزه تخصصی خود کاملاً بااطلاع بودند. کلاس‌های درس ایشان به چند دلیل بسیار پربار و جذاب بود. تجربیات و مطالعات میدانی ایشان در تمامی مناطق ایران و همچنین بسیاری از کشورهای جهان، کمک می‌کرد تنوری‌ها و مطالعات کلاسیک مردم‌شناسی با این تجربیات میدانی هماهنگ شود و منجر به تسهیل یادگیری و جذابیت بیشتر کلاس شود. در کلاس‌ها همواره از وسایل کمک آموزشی در جای مناسب استفاده می‌کردند. همواره از جانب دانشجویان، نمرات ارزشیابی بالایی در دریافت می‌کردند و به رغم ارتباط صمیمی با دانشجویان، در ارزیابی علمی، کاملاً بی‌طرف عمل می‌کردند. اطلاعات ایشان از تاریخ ایران کم‌نظیر بود و تاریخ را بر رویکرد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی از ایشان به خوبی آموختیم. همچنین در اردوهای علمی که راه‌گزار می‌شد، توضیحات مفصل ایشان درباره آثار تاریخی و شیوه زندگی پیشینیان، گواهی بر اطلاعات گسترده‌ی او از تاریخ ایران بود. علاقه فراوان او به ایران در حدی است که برای نمونه، راهنمای پاپان‌نامه‌های ایران‌شناسی را در یکی از دانشگاه‌های کشور ارمنستان، به رایگان و بدون هیچ گونه چشمداشت مالی پذیرفته‌اند و در این راه وقت و انرژی قابل ملاحظه‌ای صرف می‌کنند. استاد امان‌اللّٰهی همواره به تمامی نقاط ایران بسیار سفر می‌کرد. راه‌وار این سفرها، مجموعه‌ای از اطلاعات جامع پیرامون اقوام و ایلات و عشایر ایران بود. برای مثال، کتاب قوم لر حاصل ۱۵ سال پژوهش، بر مبنای و سفر به اغلب نقاط ایران بود. اغلب از دانشجویان می‌پرسید ساکن چه منطقه‌ای هستید و سپس اطلاعات زیادی از قومیت و محل زندگی آن دانشجو در اختیارش قرار می‌داد، به نحوی که برای همه جالب بود.

حاصل سال‌ها کار و کوشش علمی استاد امان‌اللّٰهی، کتاب‌ها و مقالات معتبر و همچنین تربیت خیل عظیم دانشجویانی است که یا در دانشگاه‌ها مشغول به تدریس و پژوهش هستند یا در ادارات مختلف و همچنین مدارس خدمت می‌کنند. ایشان از بانیان اصلی راه‌اندازی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز بودند و کوشش‌های زیادی برای راه‌اندازی رشته مردم‌شناسی در سطوح ارشد و دکترا به عمل آوردند ولی به علت بازنشتستگی بودجه‌های این برنامه متوقف شد. بعدها پس از اینکه دانشگاه شیراز قبل از موعدها، حکم بازنشتستگی ایشان را صادر کرد، به مدت دو تر م در دانشگاه هاروارد تدریس کردند ولی باز شوق وطن به ایران بازگشتند و خوشبختانه دیوان عدالت اداری تصمیم دانشگاه شیراز را خلاف قانون اعدام کرد و رای به بازگشت استاد داده اما متأسفانه دانشگاه شیراز هنوز پاسخ روشنی به این حکم نداده است. از لحاظ اخلاقی، ویژگی‌های استاد، تکمیل‌کننده علم و دانش ایشان بود. صداقت و راستگویی او ویژگی‌های برجسته ایشان بود در توصیه‌نامه‌ای که برای دانشجویان می‌نوشت، واقعیت‌ها را منعکس می‌کرد. برای دانشجویانش احترام زیادی قائل بود و هیچ‌گاه نمی‌پذیرفت در دفترش دانشجویی ایستاده و او نشسته باشد. در احوال‌پرسی پیشقدم بود؛ با وزانگان خاصی که به کار می‌برد. همواره مراقب بود اگر دانشجویی مشکل مالی داشته باشد به او کمک کند. گاه هزینه خرید کتاب یا تذکیر دانشجویان را می‌پذیرفت. به طور کلی، بخشندگی از صفات بارز شخصیت استاد بود. در تصمیم‌گیری‌ها بسیار قاطع و به اخلاق علمی سخت پایبند بود. دانشجویانی که با ایشان پایان‌نامه داشتند می‌دانند در فرآیند ارزیابی پایان‌نامه، روابط گرم و دوستانه قبلی چنان رسایی و خشک می‌شد، تو گویی اولین بار با ایشان برخورد کرده‌ای. به رغم متکلی‌مانی، همه زندگی می‌کرد. تا چند سال پیش، وسیله نقلیه ایشان یکی پیکان سواری مدل ۵۹ بود و هر گاه کسی به کنایه از تعویض این سخن می‌گفت، در پاسخ می‌گفت این رخت‌ش تا به حال در همه جای ایران در دشت و بیابان همیشه همراه من بوده و هیچ‌گاه مشکل جدی‌ای برای من ایجاد نکرده است. از طرف دیگر، تنها در یکی از سفرهای فرصت مطالعاتی، بیش از هزینه خرید یک ماشین، کتاب خریده بود که نشان‌دهنده عشق فراوان ایشان به دانش بود. در طول سال‌هایی که با ایشان کلاس داشتیم همیشه تدریس‌ت و استوار بود و خوشبختانه هیچ‌گاه او را بیمار نیافتیم. کمتر از آسانسور استفاده می‌کرد و اگر دانشجویان را دستور بر آسانسور می‌دید آنها را سرزنش می‌کرد. نوشتن و گفتن از یک دانشمند و انسان بزرگ بیش از یک کتاب خوانده شدن ولی به جهت توصیه‌برنامه منی بر رعایت اختصار، تنها به بخش بسیار اندکی بسنده کردیم. بر پاپان، برای استاد که کرسی استادی دانشگاه هاروارد را به شوق وطن و دانشجویانش قرار کرد، دو آرزو دارم؛ یکی تدرستی همواره و دیگری پذیرش رای دیوان عدالت اداری توسط دانشگاه شیراز و برگشتن ایشان به کلاس درس که بی‌گمان پیامد آن چیزی جز خیر و نیکی نخواهد بود.

***عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان**

نگاه ۳ → اسماعیل خلیلی

نو شدن و میراث فرهنگی

■ فراز نخست

ما ایرانیان همواره در معرض یک پرسش اساسی هستیم؛ نو شدن در قبال فرونیی چه چیز امکان‌پذیر می‌شود؟ چراکه از جهات بسیاری، از نو شدن گریزی نداریم. مدرنیته و مدرنیزاسیون را که اجمالاً با عنوان «نو شدن» از آن یاد می‌کنیم، خلق یا ابداع نکرده‌ایم که اکنون بتوانیم برای حفظ از کنار گذاشتن‌اش تصمیم بگیریم. امری است واقع شده که ما می‌توانیم با یاد نسبت خویش را با آن فهم کرده و سامان دهیم. برای بسیاری از ما امر نو شدن با واپئی همه چیز توأم است و حتی اگر نپذیرشیده باشیم، در غیاب اندیشه، عملاً به آن می‌هشیتند. همه چیز را واپنیم تا نو شویم.

■ فراز دوم

طی سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۲ دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز بودم و در آن دوران کرسی مردم‌شناسی (انسان‌شناسی) را دکتر امان‌اللّٰهی در اختیار داشت. او مردی است که دانش و به خصوص دانش انسان‌شناسی را در فرزندانی برگزیده و توش و توان بیش از پنج دهه از عمرش را مصروف این دانش کرده است. گذشته از سجایای اخلاقی همچون فروتنی و انضباط فکری و انضباط علمی، روابط بسیار صمیمانه و مسوولانه‌ای با دانشجویانش دارد و آنها را نیز فروتنی خود می‌داند.

■ فراز سوم

برای پاسخ به پرسش نخست، سه راه را می‌توان احتمال داده نخست اینکه همه چیز را واپنیم، چه در عمل و چه در نظر، راه دوم آن است که در نظر همه چیز را واپنیم ولی بگوئیم در عمل خودمان باشیم و راه سوم آن است که در نظر خودمان بمانیم، با تمامیت فرهنگی‌مان، ولی در عمل نو شویم. با میان بستن‌های نو شدن، تغییر سبک زندگی ما، ایران سرزمینی است که در ابتدای قرن جاری، بیش از دوسوم جمعیتش را عشایری تشکیل می‌داده‌اند که عمدتاً کوچ‌نشین یا کوچ‌رو بوده‌اند. آیا باید تمامیت شیوه زیست کوچ‌نشینی را فرو نهاده؟ پاسخ دکتر امان‌اللّٰهی این بود که باید کوشید تمامی عناصر ممکن فرهنگی کوچ‌نشینان ایران را که حاصل بخش مهم از تمامیت فرهنگ ایران هستند حفظ کرد. اما از نوسدگی زندگی آنان نیز استقبال کرد. از نگاه دکتر امان‌اللّٰهی شناخت زندگی و فرهنگ آن کسانی که موضوع دانش ما هستند» نه وسیله‌ای برای امرار معاش، بلکه بخشی از چگونگی زیستن شخص دانشمند است. دانش دانشمند، عین زندگی اوست نه وسیله زندگی. این سنجیه، نه یک حسن اخلاقی، بلکه یک هستی اخلاقی است. او، سکندر امان‌اللّٰهی بهاروند، را گرامی می‌دارم برای کوشش سالیان‌انباری که برای حفظ آن میراث کرده است. تواناش افزون و تنش خرم باد.

***پژوهشگر اجتماعی**

۱۲۲ ماندگاران

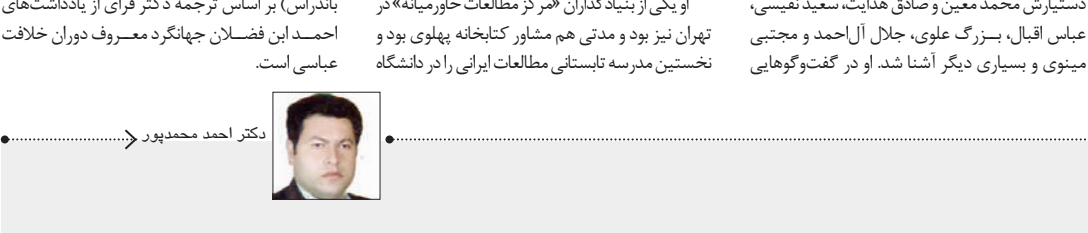
سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۸ ■ یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۹

نگاهی به کارنامه علمی سکندر امان‌اللّٰهی بهاروند

نگهبان فرهنگ اقوام ایرانی



شیراز سازمان داد، وی سال‌ها در ایران در سازماندهی کنگره‌های ایران‌شناسی سهیم بود و در خارج از ایران نیز به دانشگاه‌هایی که علاقه‌مند به مطالعات ایران و آموزش زبان فارسی بودند همکاری داشته است. دهخدا به سبب علاقه‌مندی‌ی به امر ایرانی‌شناسی، او را «ایران‌دوست» می‌نامید که فرای در امضای خود این لقب را می‌افزاید. در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۸۴ از وی به عنوان میهمان افتخاری جشنواره و به پاس تلاش‌هایش وی در شناساندن هرچه بیشتر قلمرو فرهنگی و تاریخی ایران و ایرانیان تقدیر شد. از دیگر اشخاص سرشناسی که نزد وی شاگردی کردند می‌توان مایکل کرایتسون را نام برد که اثر وی در هالیوود «سیزدهمین جنگجو» (با شرکت آنتونیو باندرا)س، حال زنده گشت، بر اساس ترجمه دکتر فرای از یادداشت‌های احمد این فضلان جهانگرد معروف دوران خلافت عباسی است.



حق را فراموش نمی‌کرد و همواره با ادب و نزاکت صحبت می‌کرد. در تمامی دوران دانشجویی‌ام هرگز سخن نابجایی از ایشان نشنیدم. با این حال همواره شوخ و مسرزنده بودند. از افتخارات بزرگ همه زندگی‌ام این است که پروفیسور استاد راهنمای رساله کارشناسی ارشدم بودند و در دوره دکترا نیز تا قبل از بازنشتستگی زودرس ایشان به راهنمایی بنده پرداختند. در روزهای آخر دوره دکترایم از بنده پرسیدیم راز این سرزندگی، نشاط و معنیت و شما در چیست؛ به من هم بگویید. ایشان گفتند راز آن در پنج نکته است: از مرگ هراسی ندارم، به مقام فکر نمی‌کنم، به دنبال ثروت نیستم، به موسیقی زیاد گوش می‌دهم و غذاهای خوشمزه می‌خورم. حال بنده نیز تاش می‌کنم این ویژگی‌ها را در خود تقویت کنم. همان طور که در ابتدا اشاره کردم شخصیت استاد امان‌اللّٰهی قابل نوشتن نیست بلکه باید ایشان را از نزدیک دید و شناخت. از این‌رو این نوشته مسلماً چندان گویای این انسان بزرگ، صادق و نوع‌دوست نیست. با این حال باعث بسی خرسندی، تشکر و تحسین است که بالاخره بعد از سال‌های سال یکی از رسانه‌های گرامی‌ایه این مملکت یعنی روزنامه شرق ویژه‌نامه‌ای به معرفی هر چند اندک ایشان اختصاص دادند. من هرگز نمی‌توانم این لطف و محبت را بیان کنم و امیدوارم دیگر رسانه‌ها نیز دست به معرفی شخصیت‌های بزرگ این کشور بزنند. در این نوشته بنده تنها به بیان چند نکته درباره پروفیسور امان‌اللّٰهی اشاره کرده و البته صدها نکته را فراموش کرده‌ام. از این‌رو فکر می‌کنم که برگزاری مراسم بزرگداشت یا برگزاری همایشی به افتخار ایشان می‌تواند به معرفی سر سوزنی از این شخصیت علمی و اخلاقی کشور کمک کند.

*** دکتری جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی و استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سنیای همدان**

■

■

امان‌اللّٰهی موجب ناراضیای دانشجویان و دانشگاهیان شده است. به‌رغم این کم‌لطفی‌ها هنوز دکتر امان‌اللّٰهی بر سر عهد خود در عشق به سرنوشت مین استوار است و در حال استمرار فعالیت‌های پژوهشی. امید است جامعه ایران بیش از پیش از این سرمایه‌های کمیاب و بی‌بدل خود بتواند بهره‌برداری کند. بازگشت دکتر امان‌اللّٰهی به دانشگاه شیراز نیاز و ضرورتی است در راستای توجه به حقوق دانشجویان این دانشگاه و نیاز جامعه علمی به حضور دانشجو بلند می‌شد و هنگام رفتن نیز با مهمی در ارتقای دانش در کشور و توسعه استان فارسی که نصب هر کس نمی‌شود.

***پژوهشگر مطالعات قومی در ایران**

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■